

## رابطه بین محافظه کاری حسابداری و دوره تصدی حسابرِس

(شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران)

دکتر شکراله خواجهوی

سمیه حسینی نیا

### چکیده

دوره تصدی حسابرِس یکی از شاخص‌های کیفیت حسابرسی می‌باشد. رابطه طولانی مدت بین حسابرِس و صاحبکار می‌تواند استقلال حسابرِس و کیفیت حسابرسی را کاهش دهد. کاهش احتمالی استقلال حسابرِس ناشی از روابط بلندمدت با صاحبکار می‌تواند میزان محافظه کاری حسابداری را تغییر دهد. از این رو، توجه به دوره تصدی حسابرِس مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است. هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین محافظه کاری حسابداری و دوره تصدی حسابرِس است. برای اندازه‌گیری محافظه کاری از معیار باسو استفاده می‌شود. نمونه مورد بررسی شامل ۶۹ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ و روش آماری مورد استفاده رگرسیون داده‌های ترکیبی است. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر این است که بین دوره تصدی حسابرِس و محافظه کاری رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین زمانی که عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد، بین محافظه کاری با دوره تصدی حسابرِس اعم از کوتاه‌مدت و بلندمدت رابطه معناداری مشاهده نشد.

**واژه های کلیدی:** محافظه کاری، دوره تصدی حسابرِس، کیفیت حسابرسی، رابطه حسابرِس - صاحبکار

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

نگرانی درباره شکست‌های حسابرسی در سال‌های اخیر مخصوصاً بعد از رسوایی‌های بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ بطور چشمگیری افزایش پیدا کرده است. این رسوایی‌ها منجر به وضع قوانین زیادی در زمینه حسابداری مالی و حرفه حسابرسی شده است. در ارتباط با این موضوع بهبود استقلال حسابرسان چه ظاهری و چه باطنی مورد توجه خاص قرار گرفته است. قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردها تلاش می‌کنند تا کیفیت حسابرسی را از طریق قوانینی که بر استقلال حسابرس تاثیر می‌گذارد، بهبود بخشند.

چرخش اجباری حسابرسان در نتیجه شکست‌های حسابرسان در دهه ۱۹۹۰ مورد توجه قرار گرفت. بحث چرخش اجباری حسابرسان منوط به این موضوع است که چطور دوره تصدی، کیفیت حسابرسی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. منتقدان بیان می‌کنند که چرخش اجباری حسابرسان پرهزینه می‌باشد و می‌تواند منجر به کاهش کیفیت سود بعلت افزایش عدم تقارن اطلاعاتی موجود در رابطه جدید حسابرس - صاحبکار شود. در ایران نیز بنا بر تبصره ۲ ماده ۱۰ دستورالعمل موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس مصوب ۸۶/۵/۸ شورای عالی بورس اوراق بهادار، موسسات حسابرسی مجاز نیستند بعد از گذشت چهار سال، مجدداً سمت حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت واحدی را بپذیرند (کرمی و بذرافشان، ۱۳۸۸).

عدم تقارن اطلاعاتی وضعیتی است که یک گروه اطلاعات بیشتری نسبت به گروه دیگر دارد. این وضعیت منجر به مخاطرات اخلاقی می‌شود (ورونیکا و بچتیر، ۲۰۰۵). نبود تقارن اطلاعاتی زمانی به وجود می‌آید که یک طرف قرارداد یا معامله، از اطلاعات بیشتری آگاهی داشته باشد، مشروط بر آنکه از آن اطلاعات هنگام برقراری ارتباط با طرف دیگر به طور موثر استفاده کند (کلارکسون و همکاران، ۲۰۰۷).

نقش اطلاعاتی حسابرسان کاهش تضاد منافع احتمالی بین مدیران و مالکان می‌باشد. دو نقش با ارزش حسابرسان برای استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی نقش اطلاعاتی و نقش

اطمینان بخشی آنان می باشد (دی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۳). کیفیت حسابرسی بیشتر، موجب کاهش هزینه سرمایه می شود (جنسن و مک‌لینگ<sup>۴</sup>، ۱۹۷۶؛ واتس و زیمرمن<sup>۵</sup>، ۱۹۸۶).

با توجه به مطالب مزبور، مسئله اساسی پژوهش این است که آیا بین دوره تصدی حسابرس و محافظه کاری رابطه ای وجود دارد؟ آیا بین چرخش حسابرس و محافظه کاری رابطه ای وجود دارد؟

محافظه کاری از یک طرف در محدود کردن آزادی عمل و خوش بینی مدیران، حمایت از حقوق ذی نفعان و حل بسیاری از مشکلات نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی نقش دارد (کردستانی و ایرانشاهی، ۱۳۹۱). با توجه به مطالب ذکر شده و با توجه به اهمیت محافظه کاری، هدف این پژوهش بررسی تاثیر دوره تصدی حسابرس بر محافظه کاری است. بدین منظور، در ابتدا به بررسی مبانی نظری و ادبیات موضوع پرداخته می شود؛ سپس فرضیه ها و روش پژوهش مورد بحث قرار می گیرد. در پایان نیز تجزیه و تحلیل یافته ها و نتایج پژوهش ارائه می شود.

## مبانی نظری پژوهش

### محافظه کاری

محافظه کاری یک ویژگی مهم در رویه های حسابداری می باشد، که بطور سنتی بدین گونه تعریف شده: "هیچ سودی را پیش بینی نکنید، اما تمام زیان ها را پیش بینی نمایید" (بلیس<sup>۶</sup>، ۱۹۲۴: ۱۱۰). پیش بینی سودها به این معنی می باشد که سودها را قبل از اینکه ادعای قانونی وجود داشته باشد یا آن ها در ارتباط با جریانات نقدی آینده باشند و قبل از اینکه درآمدها قابل تایید باشند، شناسایی شوند (واتس<sup>۷</sup>، ۲۰۰۳a).

هیئت اصول حسابداری مالی<sup>۸</sup> در بیانیه شماره ۲ خود این نوع رفتار را با تعریف محافظه کاری بعنوان "واکنشی محتاطانه به ابهام در تلاش برای اطمینان از اینکه ابهام و ریسک های ذاتی شرایط تجاری به گونه ای مناسب مد نظر قرار گرفته اند" تایید نموده است (FASB, ۱۹۸۰: ۳۶). همچنین در استانداردهای حسابداری ایران از محافظه کاری

تحت عنوان احتیاط یاد شده و در مفاهیم نظری گزارشگری مالی به صورت زیر تعریف شده است:

"احتیاط عبارت است از کاربرد درجه‌ای از مراقبت که در اعمال قضاوت برای برآوردهای حسابداری در شرایط ابهام مورد نیاز است به گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیشتر از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کمتر از واقع ارائه نشوند" (استانداردهای حسابداری ایران، ۱۳۸۸: ۷۶۶).

کیزو و همکاران<sup>۹</sup> (۲۰۰۱)، بیان می‌کنند محافظه‌کاری به این معنی است که وقتی در انتخاب شک دارید راه‌حلی انتخاب شود که کمترین احتمال را برای بیش برآوردی دارایی‌ها و درآمدها نماید.

باسو<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۷)، محافظه‌کاری را کاهش سود و کمتر نشان دادن دارایی‌ها در پاسخ به اخبار بد و در مقابل، بیشتر نمایش دادن دارایی‌ها و سود حسابداری در پاسخ به اخبار خوب تعریف می‌کند. بر اساس این تفسیر، باسو بیان می‌کند که حسابداران اخبار بد را درباره سودها سریع‌تر از اخبار خوب شناسایی می‌نمایند. مفهوم محافظه‌کاری تعریف شده از جانب باسو همان محافظه‌کاری مشروط می‌باشد. بال و شیواکومار<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۶)، بیان می‌کنند که محافظه‌کاری مشروط یک عامل تعیین‌کننده مهم در کیفیت سود، بهبود سودمندی صورت‌های مالی و مخصوصاً در زمینه حاکمیت شرکتی، پاداش مدیریت و قراردادهای هزینه‌ای می‌باشد.

گینر و ریس<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۱)، خاطر نشان می‌کنند که محافظه‌کاری نباید لزوماً بعنوان یک ویژگی مطلوب یا نامطلوب در نظر گرفته شود.

### کیفیت حسابرسی

حسابرسان یک نقش مهم در تعیین کیفیت سود صورت‌های مالی بازی می‌کنند. مطالعات اولیه یک دلیل برای محافظه‌کاری حسابداری را مواجه شدن حسابرسان با دعاوی حقوقی سهامداران می‌دانند. خدمات حسابرسی بعنوان یک وسیله نظارتی بعزت تضاد منافع

احتمالی بین مالکان شرکت و مدیران، مورد درخواست قرار می‌گیرد (واتس، ۱۹۷۷؛ واتس و زیمرمن، ۱۹۸۱).

کیفیت حسابرسی طبق تعریف دی‌آنجلو<sup>۱۳</sup> (۱۹۸۱:۱۸۶) عبارت است از احتمال اینکه یک حسابرس ۱. در یک سیستم حسابداری تحریفی را کشف نماید (صلاحیت حسابرس) و ۲. آن تحریف را گزارش نماید (استقلال حسابرس). تعریف‌های دیگری نیز از کیفیت حسابرسی شده است. والاس<sup>۱۴</sup> (۱۹۸۰)، بیان می‌کند که کیفیت حسابرسی معیار سنجش توانایی حسابرسان برای کاهش اختلالات و بهبود دقت<sup>۱۵</sup> در داده‌های حسابداری است. تیتما و ترومن<sup>۱۶</sup> (۱۹۸۶)، کیفیت حسابرسی را بعنوان صحت و درستی اطلاعات گزارش شده توسط حسابرسان تعریف می‌کنند.

دی‌آنجلو (۱۹۸۱b)، بیان می‌کند که اندازه موسسه حسابرسی می‌تواند نماینده کیفیت حسابرسی باشد. بنابراین پیش‌بینی می‌شود که موسسات حسابرسی بزرگتر کیفیت سود بهتری را در صورت‌های مالی ارائه نمایند. در ارتباط با این بحث باسو و همکاران<sup>۱۷</sup> (۲۰۰۱b)، نشان دادند که سود گزارش شده بوسیله حسابرسان بزرگ نسبت به سود گزارش شده توسط حسابرسان کوچک محافظه کارانه‌تر است. این نتایج پیشنهاد می‌کند که موسسات حسابرسی بزرگ و مدیران آن‌ها از سود محافظه کارانه بعنوان یک استراتژی مدیریت ریسک استفاده می‌کنند.

### دوره تصدی حسابرسی

دوره تصدی حسابرسی یکی از شاخص‌های کیفیت حسابرسی می‌باشد. جنکینز و ولوری<sup>۱۸</sup> (۲۰۰۸)، بیان کردند که یک رابطه مثبت بین کیفیت حسابرسی که با دوره تصدی بلندمدت حسابرسی سنجیده می‌شود و کیفیت سود شرکت‌ها وجود دارد. در مقابل لی<sup>۱۹</sup> (۲۰۱۰)، بیان نمود که شرکت‌های کوچک یا شرکت‌های با نظارت ضعیف حسابرسان خود مواجه هستند یک رابطه منفی بین دوره تصدی حسابرسی و محافظه کاری وجود دارد. علاوه بر پژوهش‌های جنکینز و ولوری (۲۰۰۸) و لی (۲۰۱۰) که یک رابطه بین دوره تصدی حسابرسی و محافظه کاری بیان نمودند، مطالعات دیگری وجود دارند که یک

ارتباط بین دوره تصدی حسابرس و کیفیت حسابرسی با نتایج متفاوت بیان نمودند (مثلاً بون و همکاران<sup>۲۰</sup>، ۲۰۰۸ و دیویس و همکاران<sup>۲۱</sup>، ۲۰۰۹).

قانون گذاران نگرانند که رابطه طولانی مدت بین حسابرس و صاحبکار می تواند استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی را کاهش دهد. کاهش احتمالی استقلال حسابرس ناشی از روابط بلندمدت با صاحبکار می تواند میزان محافظه کاری حسابداری را کاهش دهد. همانطور که رابطه حسابرس و صاحبکار افزایش می یابد، حسابرسان با انواع ریسک-های مرتبط با صاحبکار آشنا تر و بی پروا تر می شوند. بنابراین، آن ها نظرات بیشتری برای اجازه به مدیران برای، گزارش با سطح محافظه کاری کمتر ارائه می دهند (لی، ۲۰۰۷).

پژوهش گرانی مانند همیلتون<sup>۲۲</sup> (۲۰۰۵) و لی (۲۰۰۷)، اعتقاد دارند که با افزایش دوره تصدی، محافظه کاری کاهش می یابد. به این دلیل که در سال های اولیه کار حسابرسان ممکن است به دلیل ترس از دعاوی حقوقی علیه آن ها که ممکن است در پی عدم شناخت کافی از فعالیت های صاحبکار پدید آید رویه های محافظه کارانه تری از سوی صاحبکاران خود درخواست نمایند، اما با گسترش روابط و احتمالاً کاهش استقلال، تمایلی برای مقاومت در برابر خواسته های مدیریت نخواهند داشت. در مقابل جنکیز و ولوری (۲۰۰۶)، اعتقاد دارند که روابط طولانی مدت حسابرس و صاحبکار منجر به افزایش بکارگیری رویه های محافظه کارانه توسط صاحبکار می شود. با افزایش دوره تصدی شناخت آن ها افزایش یافته و از هر گونه ریسک حسابرسی بالقوه اجتناب می کنند.

زمانی دوره تصدی حسابرس کوتاه مدت تلقی می شود که حسابرس، حسابرسی صورت-های مالی یک شرکت را برای مدت دو یا سه سال در اختیار داشته باشد. زمانی دوره تصدی حسابرس بلندمدت تعریف می شود که حسابرس، حسابرسی صورت های مالی یک شرکت را برای مدت نه یا ده سال در اختیار داشته باشد. بر مبنای این دو تعریف دوره حسابرسی، زمانی میان مدت تعریف می شود که حسابرس، حسابرسی صورت های مالی یک شرکت را برای مدت چهار تا هشت سال در اختیار داشته باشد (آدیمی و همکاران<sup>۲۳</sup>، ۲۰۱۲).

پیشینه پژوهش  
پژوهش‌های خارجی

نام پژوهشگران	سال	نتیجه‌گیری
یو و لنارد <sup>۲۴</sup>	۲۰۱۳	به بررسی رابطه بین محافظه‌کاری و دوره تصدی حسابرس در شرکت‌های چینی پرداختند. نتایج حاکی از این است که محافظه‌کاری با دوره تصدی حسابرس برای بااهمیت‌ترین صاحبکاران افزایش نمی‌یابد.
چی و وانگ <sup>۲۵</sup>	۲۰۱۰	محافظه‌کاری بطور مثبت در ارتباط با سطح و تغییرات عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد. بین دوره تصدی کوتاه و بلندمدت حسابرس با محافظه‌کاری رفتار نامتجانسی وجود دارد.
حکیم و عمری <sup>۲۶</sup>	۲۰۱۰	به بررسی رابطه کیفیت حسابرسی و عدم تقارن اطلاعاتی پرداختند. نتایج حاکی از این است که عدم تقارن اطلاعاتی با تخصص حسابرس رابطه منفی و با دوره تصدی حسابرس رابطه مثبت دارد.
لی	۲۰۱۰	یک رابطه منفی معنادار بین دوره تصدی حسابرس و محافظه‌کاری مشاهده نمود. همچنین بیان نمود که رابطه بلندمدت حسابرس با صاحبکار منجر به تهدید برای استقلال حسابرس در شرکت‌های کوچک می‌شود.
لی	۲۰۰۷	به وجود یک رابطه منفی بین دوره تصدی حسابرس و محافظه‌کاری اشاره نمود. برای محاسبه محافظه‌کاری از دو مدل باسو (۱۹۹۷) و بال و شیواکومار

(۲۰۰۵) استفاده نمود.

### پژوهش‌های داخلی

نام پژوهشگران	سال	نتیجه گیری
خدایاریگانه و همکاران	۲۰۱۲	نتایج پژوهش نشان داد که کیفیت حسابرسی شامل اندازه موسسه و دوره تصدی حسابرس باعث تغییر محافظه کاری در صورت‌های مالی نمی‌شوند.
اسماعیل زاده- مقری و ترامشلو	۱۳۹۱	به بررسی رقابت بر سر حق الزحمه‌ی حسابرسی بر کیفیت حسابرسی و گزارشگری مالی پرداختند. در این پژوهش از پرسشنامه استفاده شد. نتایج تحقیق از منظر مدیران موسسات (حسابداران رسمی فعال در موسسات حسابرسی) نشان می‌دهد رقابت حق- الزحمه‌ی حسابرسی تاثیر کاهنده‌ای بر کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی دارد.
ستایش و همکاران	۱۳۹۱	به بررسی تاثیر طول دوره تصدی و اندازه حسابرس بر ادراک سرمایه‌گذاران از کیفیت حسابرسی پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر این است که رابطه مثبت و معناداری بین طول دوره تصدی حسابرس و ادراک سرمایه‌گذاران از کیفیت حسابرسی وجود دارد، در حالی که رابطه معناداری بین اندازه حسابرس و ادراک سرمایه‌گذاران از کیفیت حسابرسی یافت نشد.



<p>نتایج نشان می‌دهد، در سال‌های اولیه دوره تصدی حسابرسی، میزان دقت سودهای پیش‌بینی شده مدیریت افزایش و پس از آن کاهش می‌یابد. همچنین نتایج این پژوهش شواهد تجربی درباره چرخش اجباری موسسات حسابرسی فراهم می‌آورد.</p>	<p>۱۳۹۱</p>	<p>عزیزخانی و صفروندی</p>
<p>در پژوهشی به بررسی نقش مالکان نهادی در کیفیت حسابرسی پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که شرکت‌های دارای سطوح بالاتر از مالکیت نهادی، از کیفیت حسابرسی بالاتری برخوردار می‌باشند؛ این در حالی است که تمرکز مالکیت نهادی موجب کاهش در کیفیت حسابرسی می‌گردد.</p>	<p>۱۳۹۰</p>	<p>رحیمیان و همکاران</p>
<p>نتایج پژوهش نشان می‌دهد با افزایش دوره تصدی حسابرس، انعطاف‌پذیری مدیریت در استفاده از اقلام تعهدی اختیاری افزایش می‌یابد. مدیریت از انعطاف‌پذیری بوجود آمده در جهت منفی استفاده می‌کند.</p>	<p>۱۳۹۰</p>	<p>کرمی و همکاران</p>
<p>به بررسی تاثیر چرخش موسسات حسابرسی بر کیفیت گزارش حسابرسی پرداختند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات نشان می‌دهد که چرخش موسسات حسابرسی موجب افزایش کیفیت حسابرسی نمی‌شود.</p>	<p>۱۳۸۹</p>	<p>حساس‌یگانه و جعفری</p>
<p>به بررسی رابطه گزارشگری سودهای محافظه‌کارانه و دوره تصدی حسابرس پرداختند. نتایج حاکی از وجود یک رابطه مثبت و معنادار بین دوره تصدی</p>	<p>۱۳۸۸</p>	<p>کرمی و بذرافشان</p>

## فرضیه های تحقیق

با توجه به مبانی نظری و هدف مطالعه، سوالات پژوهش به صورت زیر مطرح می شوند:

۱. آیا بین محافظه کاری و دوره تصدی حسابرس رابطه ای وجود دارد؟
۲. آیا بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه کاری با دوره تصدی حسابرس (کوتاه مدت و بلندمدت) رابطه ای وجود دارد؟

سپس با توجه به سوالات مطرح شده، در این پژوهش سه فرضیه در نظر گرفته شده است که در زیر عنوان شده اند:

**فرضیه اول:** بین محافظه کاری و دوره تصدی حسابرس رابطه معناداری وجود دارد.

**فرضیه دوم:** رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه کاری با دوره تصدی کوتاه مدت حسابرس معنادار می باشد.

**فرضیه سوم:** رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه کاری با دوره تصدی بلندمدت حسابرس معنادار می باشد.

## روش تحقیق

در این پژوهش برای سنجش محافظه کاری از معیار باسو استفاده شده است. مدل باسو از جنبه های مختلفی توسط محققانی از جمله بیکس و همکاران<sup>۲۷</sup> (۲۰۰۴)، بال و شیواکومار (۲۰۰۵)، لافوند و واتس<sup>۲۸</sup> (۲۰۰۸)، لافوند و رویچوداری<sup>۲۹</sup> (۲۰۰۸)، امیریگی (۱۳۸۶)، کرمی و بذرافشان (۱۳۸۸)، رحمانی و همکاران (۱۳۹۰) و مجتهدزاده و فرشی (۱۳۹۱) مورد بررسی قرار گرفته و اعتبار آن به اثبات رسیده است. باسو در سال ۱۹۹۷ معیاری برای محافظه کاری ارائه و مدل زیر را به این منظور معرفی کرد:

$$NI = \alpha + \beta_1 DR + \beta_2 RET + \beta_3 RET * DR + \epsilon$$

در مدل بالا متغیرها به شرح زیر است:

NI: سود خالص قبل از اقلام غیرمترقبه تقسیم بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در اول

دوره مالی

RET: بازده سالانه سهام شرکت

DR: یک متغیر مجازی است، اگر RET (بازده شرکت) منفی باشد برابر یک در غیر این

صورت، صفر در نظر گرفته می شود.

لازم به ذکر است در مدل با سو بازده مثبت، نماینده‌ی اخبار خوب و بازده منفی، نماینده‌ی اخبار بد است.

برای سنجش اندازه عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران از مدلی که ونکاتش و چیانگ<sup>۳۰</sup> (۱۹۸۶)، برای تعیین دامنه پیشنهادی خرید و فروش سهام طراحی کردند استفاده می‌شود. مدل به شرح زیر است:

$$SPREAD_{it} = \frac{AP - BP}{(AP + BP)/2} * 100$$

SPREAD: دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، t: سال مورد بررسی، i:

شرکت مورد بررسی

AP: میانگین قیمت پیشنهادی فروش سهام شرکت ا در دوره t

BP: میانگین قیمت پیشنهادی خرید سهام شرکت ا در دوره t

در این مدل هر چه دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام عدد بزرگتری باشد، نشان دهنده عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر بین سرمایه‌گذاران است.

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش از نوع تحقیق همبستگی از انواع تحقیقات توصیفی مبتنی بر تحلیل رگرسیون می باشد و از پنج متغیر مستقل و یک متغیر وابسته استفاده

شده است. لازم به ذکر است که رابطه بین دوره تصدی حسابرس و محافظه کاری در دو حالت بررسی شده است؛

حالت اول که همان مدل شماره یک می باشد به بررسی رابطه بین محافظه کاری و دوره تصدی حسابرس در حالت کلی می پردازد.

حالت دوم که مدل شماره دو می باشد، در شرایط عدم تقارن اطلاعاتی به بررسی رابطه بین محافظه کاری و دوره تصدی کوتاه مدت و بلندمدت حسابرس می پردازد.

متغیرهای مستقل عبارتند از:

بازده سهام (RET)، همانند پژوهش فروغی و عباسی (۱۳۹۰)، حجازی و معصومی - بیلندی (۱۳۹۰)

دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهم (SPREAD)، همانند پژوهش رضازاده و آزاد (۱۳۸۷)، ملکیان کله بستی و همکاران (۱۳۹۰) و قربانی و عدیلی (۱۳۹۱)

متغیر مصنوعی DR (اگر بازه سهم مثبت باشد ۰ در غیر این صورت مقدار ۱ می پذیرد)، همانند پژوهش فروغی و عباسی (۱۳۹۰)، حجازی و معصومی بیلندی (۱۳۹۰)

دوره تصدی حسابرس (TENURE)، همانند پژوهش کرمی و بذرافشان (۱۳۸۸) و ستایش و همکاران (۱۳۹۱)

دوره تصدی کوتاه مدت حسابرس (SHORT) و دوره تصدی بلندمدت حسابرس (LONG)؛ مطابق پژوهش جنکیز و ولوری (۲۰۰۸)، الموتاری و همکاران<sup>۳۱</sup> (۲۰۰۹)، کرمی و بذرافشان (۱۳۸۸) و بدری خیره مسجدی (۱۳۹۰)

TENURE: تعداد سالهایی که حسابرس در استخدام یک شرکت است.

SHORT: اگر  $TENURE \leq 3$  عدد یک را می پذیرد، در غیر این صورت عدد صفر را می پذیرد.

LONG: اگر  $TENURE \geq 9$  عدد یک را می پذیرد، در غیر این صورت عدد صفر را می پذیرد.

متغیر وابسته نسبت سود خالص به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام اول دوره (NI) می- باشد.

### مدل‌های آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه‌ها از مدل‌های ذیل استفاده می‌شود:

مدل اول توسط لی (۲۰۰۷)، لی (۲۰۱۰)، یو و لئارد (۲۰۱۳) و کرمی و بذرافشان (۱۳۸۸) و مدل دوم توسط چی و وانگ (۲۰۱۰) مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

$$1) NI = \alpha + \beta_1 DR + \beta_2 RET + \beta_3 RET * DR + \beta_4 TENURE + \beta_5 TENURE * DR + \beta_6 TENURE * RET + \beta_7 TENURE * DR * RET + \epsilon$$

$$2) NI_t = \alpha + \beta_1 DR + \beta_2 RET + \beta_3 RET * DR + \beta_4 SPREAD + \beta_5 SPREAD * DR + \beta_6 SPREAD * RET + \beta_7 SPREAD * RET * DR + \beta_8 SHORT * SPREAD + \beta_9 SHORT * SPREAD * DR + \beta_{10} SHORT * SPREAD * RET + \beta_{11} SHORT * SPREAD * RET * DR + \beta_{12} LONG * SPREAD + \beta_{13} LONG * SPREAD * DR + \beta_{14} LONG * SPREAD * RET + \beta_{15} LONG * SPREAD * DR * RET + \epsilon$$

برای فرضیه اول از مدل اول استفاده می‌شود و برای فرضیه دوم و سوم از مدل دوم استفاده می‌شود.

در مدل دوم، منفی بودن (مثبت بودن) علامت  $\beta_{10}$  نشان می‌دهد که رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه کاری با دوره تصدی کوتاه مدت حسابرس، زمانی که شرکت با اخبار خوب مواجه می‌شود، افزایش (کاهش) می‌یابد. در مقابل، منفی (مثبت) بودن علامت  $\beta_{11}$  نشان می‌دهد که رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه کاری با دوره تصدی کوتاه مدت حسابرس زمانی که شرکت با اخبار بد روبه رو می‌شود، کاهش (افزایش) می‌یابد. همچنین،

منفی (مثبت) بودن علامت ۱۵ بیان می کند که رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه- کاری با افزایش دوره تصدی حسابرس زمانی که شرکت با اخبار بد روبه رو می شود، کاهش (افزایش) می یابد.

## جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و طی بازه زمانی سال های بین ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۹۰ می باشد. البته شرکت ها باید دارای شرایط ذیل باشند:

۱. سال مالی آن ها منتهی به ۲۹/ اسفند باشد.
  ۲. طی دوره زمانی مورد بررسی تغییر سال مالی نداده باشند.
  ۳. شرکت های منتخب جزء شرکت های واسطه گری مالی، بانک ها، لیزینگ ها و سرمایه گذاری ها نباشند.
  ۴. اطلاعات مورد نیاز در دسترس باشند.
- با در نظر گرفتن این شرایط تنها ۶۹ شرکت باقی ماند که نمونه مورد مطالعه ما را تشکیل می دهد.

اطلاعات مورد نیاز از صورت های مالی شرکت ها و همچنین اطلاعات عرضه شده توسط موسسه تدبیر پرداز گردآوری شده است و با کمک نرم افزار آماری EViews ۷,۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

## یافته های تحقیق

تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از شاخص های مرکزی مانند میانگین، میانه و شاخص های پراکندگی انحراف معیار، ضریب چولگی و ضریب کشیدگی انجام شده است. آمار توصیفی این پژوهش در جدول شماره ۱ نشان داده شده است. همانطور که در جدول مشاهده می شود میانگین (میانه) دوره تصدی حسابرس برابر با ۵,۵ (۵) سال است. همچنین، میانگین (میانه) بازده سالانه برابر با ۲۱,۸۶ (۵,۴۴) درصد است.

جدول شماره ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

آمار توصیفی	نسبت سود قبل از اقلام غیر مترقبه بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام	بازده سالانه	دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام	دوره تصدی حسابر س	دوره تصدی بلندمدت	دوره تصدی کوتاه مدت
میانگین	۰,۲۵۱۸۹	۲۱,۸۶۰۶	۰,۰۱۹۲۲۶	۵,۵۲۲۶۸۶	۰,۲۴۶۸۲۴	۰,۴۱۳۷۹
میانه	۰,۱۸۵۶۳	۵,۴۴	۰,۰۱۷۰۸۳	۵	۰	۰
بیشینه	۵,۲۷۶۴۳	۷۰۹,۶۵	۰,۲۰۳۹۱۴	۱۴	۱	۱
کمینه	-۲,۹۳۰۴	-۷۲,۹۹	۰	۱	۰	۰
انحراف معیار	۰,۵۹۰۸۶	۶۵,۴۵۴۲	۰,۰۱۵۴۲۷	۳,۷۱۴۲۱۵	۰,۴۳۱۵۵۵	۰,۴۹۲۹۶
چولگی	۲,۸۶۰۳۹	۴,۱۱۰۲۷	۵,۳۲۹۰۷۹	۰,۴۲۷۰۵۷	۱,۱۷۴۳۸۶	۰,۳۵۰۰۷
کشیدگی	۲۹,۱۲۱	۲۳,۲۴۱۷	۵۵,۴۳۳۷۸	۱,۹۹۹۵۷	۲,۳۷۹۱۸۱	۱,۱۲۲۵۵

بر اساس آزمون ریشه واحد از نوع آزمون لوین و همکاران<sup>۳۲</sup> (۲۰۰۲)، چنانچه معناداری آماره آزمون، کمتر از ۰,۰۵ باشد، متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش، در طی دوره پژوهش پایا هستند. نتایج حاصل از بررسی پایایی متغیرهای پژوهش با استفاده از این آزمون در جدول شماره ۲ ارائه شده است:

جدول شماره ۲. آزمون لوین چو (آزمون پایایی متغیرها)

سطح معناداری	آماره	متغیر
۰,۰۰۰	-۱۴۹,۵۱۳	نسبت سود خالص قبل از اقلام غیر مترقبه بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام
۰,۰۰۰	-۱۴,۴۳۰۹	بازده سالانه
۰,۰۰۰	-۳۶,۱۱۷۱	دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام
۰,۰۰۰	-۱۳,۲۷۶	دوره تصدی حسابر س
۰,۰۰۰	-۳,۴۱۷۰۷	دوره تصدی بلندمدت

۰,۰۰۰	-۲,۲۷۱۳۲	دوره تصدی کوتاه مدت
-------	----------	---------------------

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در کلیه متغیرهای مستقل و وابسته، سطح معناداری در آزمون ریشه واحد لوین و همکاران (۲۰۰۲) کوچکتر از ۰,۰۵ است که نشان می‌دهد متغیرهای پژوهش در سطح، پایا هستند. این بدان معنی است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت است. در نتیجه، شرکت‌های مورد بررسی تغییرات ساختاری نداشته و استفاده از این متغیرها در مدل باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود.

### یافته‌های فرضیه اول

نتایج آماری حاصل از آزمون فرضیه اول با استفاده از مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی به روش اثرات ثابت در جدول شماره ۳ ارائه شده است. مقدار آماره  $F$  و سطح معناداری مربوط به این آماره برای کل مدل ارائه شده، بیانگر این است که مدل رگرسیون در کل معنادار است. ضریب تعیین تعدیل شده معیاری برای سنجش قدرت تبیین مدل رگرسیون است که در مدل اول برابر با ۲۲ درصد و مطابق با مبانی نظری موجود مناسب است. آماره دورین واتسون هم دلالت بر عدم وجود همبستگی بین متغیرها دارد و در مدل اول برابر با ۱,۶۷ است که مناسب می‌باشد.

همان‌طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود علامت ضریب  $TENURE*RET$  مثبت و ضریب متغیر در سطح خطای ۵ درصد معنادار نمی‌باشد، این نتیجه منطبق با نتیجه پژوهش لی (۲۰۰۷) می‌باشد.

همچنین علامت ضریب  $TENURE*DR*RET$  منفی و غیرمعنادار می‌باشد که این نتیجه از لحاظ علامت مشابه پژوهش کرمی و بذرافشان (۱۳۸۹) و لی (۲۰۰۷) می‌باشد ولی غیرمعنادار است. همچنین نتیجه منطبق با پژوهش خدایاریگانه و همکاران (۲۰۱۲) می‌باشد. در نتیجه فرضیه اول رد می‌شود و نمی‌توان نتیجه گرفت که با افزایش دوره تصدی حسابرس، محافظه‌کاری کاهش می‌یابد.



جدول شماره ۳. نتایج آزمون فرضیه اول

متغیر	علامت مورد انتظار	ضریب	آماره t	سطح اطمینان
TENURE*RET	مثبت	۰,۰۰۰۰۶۵۲	۱,۰۸۸۹۸	۰,۲۷۶۷
TENURE*DR*RET	منفی	-۰,۰۰۰۰۷۲۹	-۰,۳۴۱۷۲۵	۰,۷۳۲۷
ضریب تعیین	۰,۲۴			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۲۲		آماره F	۱۱,۹۴۱۸۸
آماره دوربین واتسون	۱,۶۷		سطح معناداری آماره F	۰,۰۰۰

### یافته‌های فرضیه دوم

نتایج آماری حاصل از آزمون فرضیه‌های دوم و سوم با استفاده از مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی به روش اثرات ثابت در جدول شماره ۴ ارائه شده است. مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره، بیانگر این است که مدل رگرسیون در کل معنادار است. ضریب تعیین تعدیل شده معیاری برای سنجش قدرت تبیین مدل رگرسیون است که در مدل دوم برابر با ۲۴ درصد و مطابق با مبانی نظری موجود مناسب است. آماره دوربین واتسون هم دلالت بر عدم وجود خود همبستگی بین متغیرها دارد و در مدل دوم برابر با ۱,۷ است که مناسب می‌باشد.

نتایج این فرضیه‌ها در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود؛ علامت ضریب SHORT\*SPREAD\*RET\*DR منفی و ضریب متغیر در سطح خطای ۵ درصد معنادار نمی‌باشد، نتیجه حاکی از این است که تاثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر محافظه‌کاری حسابداری تاثیری بر دوره تصدی کوتاه‌مدت حسابرس زمانی که شرکت با اخبار بد رو به رو می‌شود ندارد. این نتیجه منطبق با پژوهش چی و وانگ (۲۰۱۰) می‌باشد.

جدول شماره ۴. نتایج آزمون فرضیه دوم و سوم

متغیر	علامت مورد انتظار	ضریب	آماره t	سطح اطمینان
LONG*SPREAD*DR*RET	منفی	-۰,۰۹۱۹۳۵	-۱,۴۱۰۸۳۵	۰,۱۵۸۹
SHORT*SPREAD*DR*RET	منفی	-۰,۰۷۴۳۱۷	-۱,۰۶۰۸۴۲	۰,۲۸۹۳
ضریب تعیین	۰,۲۷			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۲۴		آماره F	۸,۱۹۸۲۴۵
آماره دوربین واتسون	۱,۷		سطح معناداری F آماره	۰,۰۰۰

### یافته‌های فرضیه سوم

همچنین با توجه به جدول شماره ۳ علامت ضریب LONG\*SPREAD\*RET\*DR نیز منفی و غیرمعنادار است که از لحاظ معناداری مغایر با پژوهش چی و وانگ (۲۰۱۰) می‌باشد. نتیجه حاکی از این است که تاثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر محافظه کاری حسابداری تاثیری بر دوره تصدی بلندمدت حسابرس زمانی که شرکت با اخبار بد رو به رو می‌شود ندارد.

### نتیجه گیری

طرفداران چرخش اجباری حسابرس بیان می‌کنند که روابط طولانی مدت حسابرس - صاحبکار، استقلال حسابرس را تهدید می‌کند. در مقابل، مخالفان چرخش اجباری حسابرس ادعا می‌کنند که هیچ دلیلی مبنی بر از بین رفتن استقلال حسابرس وجود ندارد؛ حتی شواهدی ارائه می‌نمایند که حاکی از یک رابطه مثبت بین دوره تصدی حسابرس و کیفیت حسابرسی وجود دارد.

توجه به نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات جمع آوری شده، نشان دهنده این است که دوره تصدی حسابرس بر محافظه کاری حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ندارد.

یافته‌های حاصل از فرضیه اول، حاکی از این است که رابطه معناداری بین دوره تصدی حسابرس و محافظه کاری وجود ندارد. همانند پژوهش خدایاریگانه و همکاران (۲۰۱۲)، یک دلیل برای مغایر بودن نتیجه این پژوهش با پژوهش لی (۲۰۰۷) را می‌توان به وسیله

محیط، توجیه نمود. که محیط شرکت‌های ایرانی محیطی با دعوایی کم می‌باشد. وی در پژوهش خود به این نتیجه رسید که در معرض دعاوی قضایی بودن حساب‌برسان، می‌تواند اثرات مضر دوره تصدی حساب‌برس بر محافظه‌کاری را کاهش دهد.

یافته‌های حاصل از فرضیه دوم، حاکی از این است که رابطه معناداری بین تاثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر محافظه‌کاری حساب‌داری بر دوره تصدی کوتاه‌مدت حساب‌برس وجود ندارد. این نتیجه منطبق با پژوهش چی و وانگ (۲۰۱۰) می‌باشد.

همچنین یافته‌های حاصل از فرضیه سوم، حاکی از این است که رابطه معناداری بین تاثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر محافظه‌کاری حساب‌داری بر دوره تصدی بلندمدت حساب‌برس وجود ندارد. طبق پژوهش لی (۲۰۰۷)، کاهش محافظه‌کاری مربوط به دوره تصدی بلندمدت حساب‌برس در محیط‌های با دعاوی حقوقی بیشتر، کاهش پیدا می‌کند.

یک دلیل برای عدم وجود رابطه بین دوره تصدی کوتاه‌مدت و بلندمدت حساب‌برس با محافظه‌کاری را می‌توان به نوع شرکت‌ها، احتمالاً ناشی از تمرکز مالکیت دولتی یا شبه دولتی در شرکت‌های مورد بررسی (دولتی بودن طبق پژوهش کمارودین و همکاران<sup>۳۳</sup>، ۲۰۱۰) نسبت داد.

همچنین دلیل دیگر برای نبود رابطه را می‌توان دخالت دستگاه‌های دولتی بر روند مبادلات بازار سرمایه دانست. این دخالت‌ها موجب می‌شود تا دامنه پیشنهادی خرید و فروش معیار مناسبی برای سنجش عدم تقارن اطلاعاتی نباشد.

دلیل دیگر برای عدم وجود رابطه را می‌توان به شرایط بازار بورس تهران نسبت داد. طبق پژوهش‌های بعمل آمده همانند فرید و همکاران (۱۳۸۸) و تالانه و هجرانکش‌راد (۱۳۹۰) بازار بورس تهران یک بازار ناکاراست. در نتیجه قیمت اوراق به درستی و عادلانه تعیین نمی‌شود و نمی‌توان انتظار داشت در هر لحظه، انعکاس کاملی از همه اطلاعات در دسترس باشد.

## پیشنهادها

الف. پیشنهادهای مبتنی بر نتایج پژوهش:

فرضیه دوم و سوم، بر این موضوع دلالت دارند که محافظه کاری تحت تاثیر دوره تصدی بلندمدت و کوتاه مدت حسابر س قرار دارد. در این فرضیه ها رابطه بین دوره تصدی بلندمدت و کوتاه مدت حسابر س و محافظه کاری بررسی شده است. نتایج حاصل از برآورد مدل مربوط به فرضیه دوم و سوم بیانگر این است که بین متغیرهای مزبور، رابطه معناداری وجود ندارد. بر اساس نتایج حاصله موارد زیر پیشنهاد می شوند:

- تعیین راهکارهایی جهت پیشگیری از شکل گیری رانت اطلاعاتی
- تعیین الزامات قانونی برای شرکت ها مبنی بر افشای به موقع و صحیح اطلاعات به منظور فرآیند تصمیم گیری استفاده کنندگان صورت های مالی
- توجه قانون گذاران به اثرات احتمالی نوع شرکت ها (دولتی یا غیردولتی بودن) بر محافظه کاری حسابداری و در نتیجه ی آن بر کیفیت گزارشگری در هنگام تدوین استانداردها

#### پیشنهاد برای پژوهش های آتی:

- بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابر س با محافظه کاری با سایر معیارهای سنجش محافظه کاری
- انجام مجدد این پژوهش با سایر معیارهای سنجش عدم تقارن اطلاعاتی
- انجام مجدد این پژوهش با در نظر گرفتن متغیرهای کنترلی از جمله؛ اندازه شرکت و اهرم مالی

#### محدودیت ها

مهم ترین محدودیت این پژوهش کسب اطلاعات درباره متغیر دوره تصدی حسابرسان شرکت ها بود که منجر به حذف تعداد زیادی از شرکت ها شد.

یادداشت ها:

- . Veronica & Bachtiar
- . Clarkson et al.
- . Dye
- . Jensen & Meckling
- . Watts & Zimmerman
- . Bliss
- . Watts
- . FASB
- . Kieso et al.
- . Basu
- . Ball & Shivakumar
- . Giner and Rees
- . DeAngelo
- . Wallace
- . fineness
- . Titman & Trueman
- . Basu et al.
- . Jenkins & Velury
- . Li
- . Boone et al.
- . Davis et al.
- . Hamilton
- . Adeyemi et al.
- . Yu & Lenard
- . Chi & Wang
- . Hakim & Omri
- . Beekes et al.
- . Laffond & Watts
- . Laffond & Roychowdhury
- . Venkatesh & Chiang
- . Almutairi & et al.
- . Levin et al.
- . Kamarudin et al.

## منابع

۱. اسماعیل زاده مقری، علی و نصرت‌اله ترامشلو. (۱۳۹۱). تاثیر رقابت بر سر حق- الزحمه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی و گزارشگری مالی. *حسابدار رسمی*، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۹۱، صص ۷۹-۷۰.
۲. اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی: استانداردهای حسابداری (استانداردهای شماره ۱ تا ۳۱) کمیته تدوین استانداردهای حسابداری. (۱۳۸۸). *سازمان حسابرسی (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری)*.
۳. امیر بیگی، حبیب. (۱۳۸۶). بررسی عدم تقارن زمانی سود به عنوان معیار محافظه کاری در گزارشگری مالی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).

۴. بدری خیره مسجیدی، احد. (۱۳۹۰). بررسی ارتباط بین چرخش شریک حسابرسی و موسسات حسابرسی با کیفیت حسابرسی و تعدیلات سنواتی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهیدباهنر.
۵. تالانه، عبدالرضا و حدیث هجرانکشراد. (۱۳۹۰). بررسی کارایی بورس اوراق بهادار تهران در سطح ضعیف و نیمه قوی. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۹۰، صص ۸۶-۶۴.
۶. حجازی، رضوان و زهرا معصومی بیلندی. (۱۳۹۰). اثر رشد و رفتار گزارشگری مدیریتی بر محافظه کاری. دانش حسابداری، سال دوم، شماره ۶، پاییز ۱۳۹۰، صص ۱۱۱-۱۲۸.
۷. حساس یگانه، یحیی و ولی اله جعفری. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر چرخش موسسات حسابرسی بر کیفیت گزارش حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال سوم، شماره ۹، بهار ۱۳۸۹، صص ۴۲-۲۵.
۸. رحمانی، علی، فرزانی، حجت اله و هیوا رستگارمقدم. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین مالکیت اصلی و محافظه کاری در سود. دانش حسابداری، سال دوم، شماره ۶، پاییز ۱۳۹۰، صص ۶۳-۴۳.
۹. رحیمیان، نظام الدین، رضاپور، نرگس و حسین اخضری. (۱۳۹۰). نقش مالکان نهادی در کیفیت حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی، سال یازدهم، شماره ۴۵، زمستان ۱۳۹۰، صص ۸۱-۶۸.
۱۰. رضازاده، جواد و عبدالله آزاد. (۱۳۸۷). رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه کاری در گزارشگری مالی. بررسی های حسابداری و حسابرسی، سال پانزدهم، شماره ۵۴، صص ۸۰-۶۳.
۱۱. ستایش، محمدحسین، ابراهیمی، فهیمه و مهدی ساریخانی. (۱۳۹۱). بررسی تاثیر طول دوره تصدی و اندازه حسابرس بر ادراک سرمایه گذاران از کیفیت

- حسابرسی (شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران). *دانش حسابرسی*، سال دوازدهم، شماره ۴۷، تابستان ۱۳۹۱، ص ص ۱۸-۴.
۱۲. عزیزخانی، مسعود و علیرضا صفروندی. (۱۳۹۱). بررسی تاثیر طول دوره تصدی حسابرسی بر خطای سود پیش‌بینی شده در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، دوره ۱۹، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۱، ص ص ۶۱-۷۸.
۱۳. فروغی، داریوش و جواد عباسی. (۱۳۹۰). بررسی عوامل موثر بر اعمال محافظه-کاری حسابداری. *پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی*، سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۹۰، ص ص ۱۱۳-۱۳۲.
۱۴. فرید، داریوش، بردبار، غلامرضا و حسین منصوری. (۱۳۸۸). شناسایی و ارزیابی موانع شکل ضعیف کارآیی بورس اوراق بهادار تهران. *جستارهای اقتصادی*، سال ۶، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۸۸، ص ص ۱۹۴-۱۵۷.
۱۵. قربانی، سعید و مجتبی عدیلی. (۱۳۹۱). نگاهداشت وجه نقد، ارزش شرکت و عدم تقارن اطلاعاتی. *دانش حسابداری*، سال سوم، شماره ۸، بهار ۱۳۹۱، ص ص ۱۴۹-۱۳۱.
۱۶. کردستانی، غلامرضا و محمد ایرانشاهی. (۱۳۹۱). تاثیر محافظه‌کاری بر میزان مربوط بودن اطلاعات حسابداری به ارزش سهام. *دانش حسابرسی*، سال دوازدهم، شماره ۴۶، بهار ۱۳۹۱، ص ص ۳۳-۱۸.
۱۷. کرمی، غلامرضا و آمنه بذرافشان. (۱۳۸۸). بررسی رابطه دوه تصدی حسابرس و گزارشگری سودهای محافظه کارانه در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، سال دوم، شماره ۷، پاییز ۱۳۸۸، ص ص ۸۰-۵۵.
۱۸. کرمی، غلامرضا، بذرافشان، آمنه و امیر محمدی. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود. *دانش حسابداری*، سال دوم، شماره ۴، بهار ۱۳۹۰، ص ص ۸۲-۶۵.

۱۹. مجتهدزاده، ویدا و زهرا فرشی. (۱۳۹۱). بررسی رابطه محافظه کاری حسابداری و تصمیمات سرمایه گذاری مدیران در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، دوره ۱۹، شماره ۶۷، بهار ۱۳۹۱، صص ۹۱-۱۰۴.
۲۰. ملکیان کله بستی، اسفندیار، معین الدین، محمود و انسیه کلانتری. (۱۳۹۰). رابطه کیفیت حسابرسی مستقل و اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، شماره ۶۶، زمستان ۱۳۹۰، صص ۸۰-۶۹.

- . Adeyemi, S.B, Okpala, Okwy and Dabor E.L., (2012), " Factors Affecting Audit Quality in Nigeria", *International Journal of Business and Social Science*, Vol. 3 No. 20.
- . Almutairi, Ali R., A. Dunn, Kimberly and Terrance Skantz, (2009), "Auditor tenure, auditorspecialization, and informationasymmetry", *Managerial Auditing Journal*, Vol.24, No.7, pp. 600-623.
- . Ball, R., and L. Shivakumar, (2005), "Earnings Quality in U. K. Private Firms", *Journal of Accounting and Economics* 39: 83-128.
- . Ball, R. and L. Shivakumar, (2006), "The Role of Accruals in Asymmetrically Timely Gain and Loss Recognition", *Journal of Accounting Research* 44 (2): 207-242.
- . Basu. S; (1997)," the conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings", *Journal of Accounting and Economics*. PP 24,337.
- . Basu, S., L. Hwang, and C. Jan, (2001b), "Differences in conservatism between big eight and non-big eight auditors", Working paper, Emory University, Chinese University of Hong Kong, and California State University – Hayward.
- . Beekes, W, P. Pope and S. Young, (2004), "The Link between Earnings Timeliness, Earnings Conservatism and Board Composition: Evidence from the U. K.", *Corporate Governance: An International Review*, v.12 (1): 47-59.



- . Bliss J. H., (1924), "Management Through Accounts", The Ronald Press Co., New York.
- . Boone, J., Khurana, I., & Raman, K. K. (2008). "Audit firm tenure and the equity risk premium", *Journal of Accounting, Auditing, and Finance*, 23, 115–140.
- . Chi, Wuchun, and Wang Chenchin, (2010), "Accounting conservatism in a setting of Information Asymmetry between majority and minority shareholders", *The International Journal of Accounting* 45, pp.465-486.
- . Clarkson, Gavinn & et al., (2007), " Information Asymmetry and Information Asymmetry and information sharing", *Government Information Quarterly*, NO 24, PP 827–839, 2007.
- . Davis, R. L., Soo, B. S., & Trompeter, G. M. (2009). Auditor tenure and the ability to meet or beat earnings forecasts. *Contemporary Accounting Research*, 26(2), 517-548. <http://dx.doi.org/10.1506/car.26.2.8>
- . DeAngelo, L.E, (1981a), "Auditor independence, "lowballing," and disclosure regulation", *Journal of Accounting and Economics* 3 (2): 113-127.
- . DeAngelo, L.E, (1981b), "Auditor size and audit quality" *Journal of Accounting and Economics* 3 (1): 113-127.
- . Dye, R. (1993). Auditing standards, legal liability, and auditor wealth. *The Journal of Political Economy*, 101(5), 877–914.
- . Financial Accounting Standard Board (FASB), (1980), Statement of Concepts No.2: Qualitative characteristics of accounting information. Norwalk, CT: FASB.
- . Giner, B. and W. Rees, (2001), "On the asymmetric recognition of good and bad news in France", Germany and the United Kingdom. *Journal of Business Finance & Accounting* 28 (9-10): 1333-1349.
- . Hakim, F. and Omri, M.A., (2010), "Quality of the external, information asymmetry, and Bid-ask Spread", *The Journal of Accounting and Information Management*, 18, pp. 5 – 18.
- . Hamilton, J., C. Ruddock, D. Stokes, and S. Taylor, (2005), "Audit partner rotation, earnings quality and earnings conservatism", Working paper, University of Technology, Sydney, and University of New South Wales.

<https://aaahq.org/audit/midyear/06midyear/papers/HamiltonAAAamidyear.pdf> . [9/11/2013].

- . Jenkins, D. and U. Velury. 2006. Does auditor tenure impact the reporting of conservative earnings? Working paper, University of Delaware.
- . Jenkins, D. S., & Velury, U. (2008). Does auditor tenure influence the reporting of conservative accounting? *Journal of Accounting and Public Policy*, 27(2), 115–132.
- . Jensen, M.C. and W.H., Meckling, (1976), “ Theory of the firm, managerial behavior, agency costs and ownership structure”, *Journal of Financial Economics*, Vol. 3, No. 4, pp. 305-360.
- . Kamarudin, K.A., Dunstan, K. & van Zijl, T. (2010). Auditor tenure, non-audit services and earnings conservatism: Evidence from Malaysia. Paper presented at the 2010 AFAANZ conference, Christchurch, New Zealand.  
[http://works.bepress.com/keitha\\_dunstan/4/](http://works.bepress.com/keitha_dunstan/4/) [9/11/2013]
- . Khodayar-e-Yeganeh, Saeid, Jabbarzadeh Kangarlouei, Saeid, and Morteza Motavassel, (2012), “ Audit Firm Size on Accounting Conservatism in Financial Reporting of Firms Listed in Tehran Stock Exchange”, *International Journal of Finance and Accounting*, 2012, 1(3), pp. 38-44.
- . Kieso, D.E., J.J. Weygandt and T.D. Warfield, (2001), *Intermediate Accounting*, 10th ed. John Wiley & Sons, Inc., New York.
- . Laffond, R. and R. Watts, (2008), “The Information Role of Conservatism”, *The Accounting Review*, No. 83(2), P 447-455.
- . Laffond R., and S. Roychowdhury, (2008), "Managerial Ownership and Accounting Conservatism", *Journal of Accounting Research (forthcoming)*. Available at URL: <http://www.ssrn.com>.
- . Li, Dan, (2010), “Does auditor tenure affect accounting conservatism? Further evidence”, *Journal of Accounting and Public Policy* 29 (2010), pp. 226–241.
- . Li, Dan, (2007), “ Auditor Tenure and Accounting Conservatism”, school of management,

[https://smartech.gatech.edu/bitstream/handle/1853/16155/Li\\_dan\\_200708\\_PHD.pdf;jsessionid=B86D01E3537DBBA6DC947224AD0BF92E.smart2?sequence=1](https://smartech.gatech.edu/bitstream/handle/1853/16155/Li_dan_200708_PHD.pdf;jsessionid=B86D01E3537DBBA6DC947224AD0BF92E.smart2?sequence=1). [9/3/2013].

- . Titman, S. and B. Trueman., (1986), "Information quality and the valuation of new issues", *Journal of Accounting and Economics* 8 (2): 159-172.
- . Venkatesh, P. C., and R. Chiang, (1986), "Information Asymmetry and the Dealer's Bid-Ask Spread: A Case Study of Earnings and Dividend Announcements", *The Journal of Finance* 41, 5: 1089-1102.
- . Veronica, Sylvia and Yanivi, s., Bachtiar, (2005), "Corporate Governance, Information Asymmetry, and Earning Management", *Jurnal Akuntansi dan Keuangan Indonesia*, Vol.2, No.1, pp. 77-106.
- . Wallace, W.A, (1980), "The economic role of the audit in free and regulated markets", Touche Ross & Co. Aid to Education Program.
- . Watts, RL., (2003),"Conservatism in Accounting Part i: Explanation and implications", *Accounting Horizons*, Vol. 17, 207221.
- . Watts, R. L., and Zimmerman, J. L. (1986). Positive Accounting Theory. New Jersey: Prentice-Hall. Welker, M. (1995). Disclosure policy, information asymmetry, and liquidity in equity markets. *Contemporary Accounting Research*, 11(2), 801-827.
- . Yu, Bing and Mary Jane Lenard, (2013), " The Effect of Client Importance and Aditor Tenure on Accounting Conservatism: Evidence from Chinese Companies", *International Business Reasearch*, Vol. 6, No. 1, 2013.

پښتونستان د علومو انساني و مطالعات فرېنچي  
پرتال جامع علوم انساني

# The relation of accounting conservatism and auditor tenure (Evidence from Tehran Stock Exchange)

[Dr shokrollah khajavi](#) - associate professor shiraz university - pardis  
eram .accounting department - shkhajavi@gmail

[someyeh hosseninia](#) - M.A student shiraz university - - pardis eram  
.accounting department

## Abstract

Auditor's tenure is one of the audit quality parameters. The long term relation of auditor and client could reduce auditor's independence and audit quality. Probable reduction of auditor's independence is caused by long term relation could alter accounting conservatism level. Hence, auditor's tenure is focused by many researchers. The main goal of this research is to study the relation of accounting conservatism and auditor's tenure. In order to conservatism measurement Basu criterion is utilized. The studied sample concludes of companies during to ; and the statistical method is combined regression. The results suggest that there is no any significant relation between auditor's tenure and conservatism. Moreover, in information asymmetry, there is no significant relation between auditor's long term and short term tenure.

**Key words:** Conservatism, Auditor's tenure, audit quality, Auditor-client relation.